

سقوط به عصر «بخور و نمیر» ۸۰ دلاری!

■ گروه اقتصادی – وقتی در سال ۱۳۹۰ با حقوق یک ماه می‌شد ۲۴۰ دلار خرید و امروز باید برای ۸۰ دلار یک ماه تمام کار کرد یعنی آنکه بخش بزرگی از زندگی ما در سیاهچاله تورم بلعیده شده است و حال مسئولان پاسخگو باشند که چطور می توان با ۸۰ دلار در ماه، زندگی کرد؟

ارزی و تورم، اثر افزایش ریالی دستمزد‌ها را خنثی کرده است؛ به طوری که ارزش دلاری دستمزد در سال ۱۳۹۰ حدود ۲،۹۱۲ دلار بوده است، اما در سال ۱۴۰۵ به ۹۹۱ دلار رسیده است که سقوطی حدود ۶۶٫۴ درصدی در ارزش بین المللی دستمزد را به وضوح نشان می دهد.

در سال ۱۳۹۰ یک کارگر با حقوقش سالانه نزدیک ۳۰۰۰ دلار درآمد داشت؛ عددی که طبق پیش‌بینی‌ها در سال ۱۴۰۵ به ۹۹۱ دلار خواهد رسید به این معنی است که تخصص و وقت نیروی کار ایرانی، دوسوم ارزش بین‌المللی خود را از دست داده است. باتوجه به این نمودار، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، دستمزد ریالی حدود ۲۱ برابر شده است، اما در همین بازه، قیمت دلار حدود ۵۰ برابر شده است و این یعنی سرعت رشد هزینه‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به دلار وابسته‌اند، بیش از ۲ برابر سرعت رشد درآمها بوده است.

رسیدن به رقم ۹۹۱ دلار در سه سال به این معناست که میانگین درآمد ماهانه یک کارگر به حدود ۸۲ دلار می‌رسد که این عدد از

مقایسه داده‌های ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد در حالی که حقوق ریالی ۲۱ برابر شده، دلار ۵۰ برابر رشد کرده است؛ این درحالی است که درآمد سالانه کارگر کن برای اولین بار به زیر ۱۰۰۰ دلار سقوط می‌کند؛ یعنی ماهی فقط ۸۲ دلار!

بسررسی روند ارزش دلاری دستمزد از سه سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۵ نشان‌دهنده افت ۶۶ درصدی قدرت خرید بین‌المللی مزدبگیران است؛ فاجعه اصلی جایی رخ می‌دهد که حقوق ماهانه ۱۰ میلیون تومانی، در ترازوی جهانی کمتر از ۱۰۰ دلار وزن دارد؛ بنابراین فریب افزایش ۲۱ برابری حقوق را نخورید؛ چراکه دلار ۵۰ برابر رشد می‌کند، یعنی سرفه کارگر ۶۶ درصد کوچکتر شده است و پیش‌بینی دستمزد ۸۲ دلاری برای سال ۱۴۰۵، تیر خلاصی بر پیکر نیمه‌جان قدرت خرید است که حتی با عینک خوش‌بینی هم دیده نمی‌شود.

اگر کاهش قدرت خرید دلاری حداقل‌بگیران در ایران طی ۱۴ سال اخیر را اگر بررسی کنیم این اعداد نشان می‌دهد که چگونه نوسانات

عبدالغنی هادیان نمایندگان اتاق تهران:

کالابرگ به تنهایی مشکل معیشت را حل نمی‌کند



گفت: اینکه گفته می‌شود مشکلات اقتصادی بیشتر ناشی از تحریم‌های داخلی است، به نظر من تصویر کاملی نیست. تحریم‌های خارجی عامل اصلی بوده و تحریم‌های داخلی از جایی شروع شد که مسئولان برای مقابله با تحریم‌های خارجی، سیاست‌های ناکارآمدی را اجرا کردند که خودشان به مانع داخلی تبدیل شدند.

او تصریح کرد: وزارت امور خارجه باید تمرکز اصلی‌اش بر ایجاد روابط سازنده با جهان، با حفظ منافع ملی، باشد. در شرایطی که تجارت خارجی کشور سال‌هاست قفل شده، ادامه این مسیر نمی‌تواند مشکلاتی را که خودمان ایجاد کرده‌ایم، حل کند.

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران درباره سیاست‌های پولی و مالی نیز گفت: ما سال‌هاست از سیاست انقباضی صحبت می‌کنیم، اما در عمل نه سیاست پولی انقباضی اجرا شده و نه سیاست مالی. کسری بودجه دولت در سال‌های گذشته بسیار بالا بوده و اگر چه در بودجه جدید نشانه‌های کوچکی از اصلاح دیده می‌شود، اما این اقدامات کافی نیست.

او افزود: ضرورت برنامه ریزی متمرکز در اقتصاد کشور بازنگری در سیاست‌های ارزی، از جمله حذف چند نرخ بی‌بودن ارز، از ضرورت‌های فوری اقتصاد کشور است. پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز در همه‌های گذشته ضربات جدی به اقتصاد وارد کرده و نیاز به تغییر نگرش اساسی، به‌ویژه در بانک مرکزی، کاملاً احساس می‌شود.

عباد در پایان با تأکید بر نقش مردم در عبور از بحران‌ها گفت: در هر بحرانی، چه اقتصادی و چه در حوزه‌هایی مثل آب و انرژی، بدون همراهی مردم هیچ پروژه‌ای به نتیجه نمی‌رسد. ما به یک حکمتان واقعی بین دولت و مردم نیاز داریم. وفاق نباید فقط در سطح جناح‌های سیاسی و تقسیم مسئولیت‌ها باشد؛ وفاق اصلی باید با مردم شکل بگیرد، چون بدون همراهی آن‌ها عبور از بحران‌های پیش رو ممکن نیست.

تاجگردون رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵:

وام ازدواج حذف نشده است

گروه اقتصادی – رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ در واکنش به انتشار اخباری درباره حذف وام ازدواج و فرزندآوری در بودجه گفت که دولت سهمی برای تسهیلات تکلیفی و اشتغال‌زایی و حمایتی در بودجه سال آینده دیده است. غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ درباره اینکه آیا بودجه سال ۱۴۰۵ تسهیلات تکلیفی و اشتغال‌زایی و همچنین حمایتی دیده شده است، گفت: اعدادی در این بخش‌ها پیش‌بینی شده، اما فعلاً در مرحله بررسی‌های کلان هستیم.

وی ادامه داد: زمانی که وارد بررسی جزئیات شویم، هر کدام از این الزامات به‌صورت جداگانه بررسی خواهد شد؛ از جمله اعداد مربوط به وام‌های قرض‌الحسنه و الزامات بانک‌ها که متناسب با آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین باید تأکید کنم دولت سهمی برای تسهیلات تکلیفی و اشتغال‌زایی و حمایتی در بودجه سال آینده دیده است. رئیس کمیسیون تلفیق همچنین با اشاره به جلسات این کمیسیون برای بررسی کلیات لایحه بودجه سال آینده، گفت: روز گذشته جلسه رسمی کمیسیون تلفیق برگزار شد. در این جلسات وزرای اقتصاد و امور دارایی و نفت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان اتاق‌های سه‌گانه مرکز پژوهش‌های

گروه اقتصادی – عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، با اشاره به سابقه اجرای سیاست‌های کوپنی در دهه ۶۰، تأکید کرد که کالابرگ سیاست تازه‌ای نیست و اگر چه ممکن است در کوتاه مدت بخشی از کالای جامعه را تأمین کند، اما بدون اصلاحات عمیق اقتصادی، بار دیگر به ناکارآمدی و فساد منجر خواهد شد. از این رو حل مسائل معیشتی نیازمند اصلاحات همه‌زمان در بودجه، نظام بانکی، سیاست ارزی و روابط بین‌الملل است. مهرداد عباد گفت: بحث کالابرگ اساساً سیاست جدیدی نیست. ما قبلاً در زمان جنگ سیاست کوپن را داشتیم و عملاً بخشی از نیاز جامعه از این طریق تأمین می‌شد. بعد از آن، کوپن برداشته شد و به جای آن یارانه نقدی پرداخت شد، اما واقعیت این است که در همه این سال‌ها هر جا یارانه داده شده، هم با فساد مواجه بوده‌ایم و هم با ناکارآمدی؛ چه در بحث ارز و چه در سیاست‌های کوپنی.

او افزود: من به خوبی به خاطر دارم که در دهه ۶۰ در خیابان انقلاب، خرید و فروش کوپن به‌طور علنی انجام می‌شد. مردم کالاهای کوپنی را دریافت می‌کردند و در بازار آزاد می‌فروختند. فساد آن دوره به این شکل خودش را نشان می‌داد و اگر سازوکارها اصلاح نشود، امروز هم می‌تواند در قالبی جدید تکرار شود.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به دیدگاه‌برخی کارشناسان درباره کالابرگ تصریح کرد: بسیاری از کارشناسان معتقدند که به دلیل شرایط اقتصادی، کالای دریافتی جامعه به شدت کاهش یافته و یکی از اصرارهای دولت این بوده که حداقل از این طریق بتواند بخشی از کالای جامعه را تأمین کند. شاید تنها نکته مثبت کالابرگ همین باشد، و گر نه این سیاست به تنهایی نمی‌تواند مشکلات معیشتی مردم را حل کند. عباد ادامه داد: حتی اگر منابع مالی این طرح، مانند یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده یا حذف بخشی از یارانه دهک‌های بالا، تأمین شده باشد، باز هم نگرانی این است که در نهایت این سیاست به کسری بودجه فشار بیاورد. این‌ها اقدامات مقطعی است و راه‌حل ریشه‌ای محسوب نمی‌شود.

او با تأکید بر ضرورت برنامه ریزی متمرکز در اقتصاد کشور گفت: برای عبور از بحران‌هایی که با آن مواجه هستیم، به یک برنامه و سازمانده‌ای متمرکز نیاز داریم. مثلاً در حوزه انرژی، ایجاد ساختار متمرکز تصمیم‌گیری اقدام مثبتی بود، اما در بسیاری از حوزه‌ها شاهد تصمیم‌های متناقض در وزارتخانه‌های مختلف هستیم.

این فعال اقتصادی افزود: ما در اقتصاد کشور نیازمند یک سلسله مراتب مشخص تصمیم‌گیری هستیم تا همه معیشت مردم بهبود پیدا کند، هم مانع رشد تورم شویم و هم به صورت موازی روابط بین‌المللی مان را ترمیم کنیم. واقعیت این است که بدون بهبود روابط خارجی و کاهش اثر تحریم‌ها، تجارت خارجی ما همچنان قفل خواهد ماند. هم در واردات و هم در صادرات.

عباد با اشاره به اظهارات وزیر امور خارجه درباره تحریم‌ها



سال ۱۳۹۴: حقوق ۷۱۲،۴۲۵ تومان و دلار ۳،۳۵۸ تومان
سال ۱۳۹۵: حقوق ۸۱۲،۱۶۶ تومان و دلار ۳،۳۳۰ تومان
سال ۱۳۹۶: حقوق ۹۲۹،۹۳۱ تومان و دلار ۴،۰۶۰ تومان
سال ۱۳۹۷: حقوق ۱،۱۱۴،۰۰۰ تومان و دلار ۱۰،۱۳۲ تومان
سال ۱۳۹۸: حقوق ۱،۵۱۶،۰۰۰ تومان و دلار ۱۲،۸۲۸ تومان
سال ۱۳۹۹: حقوق ۱،۹۱۱،۰۰۰ تومان و دلار ۲۲،۶۱۰ تومان
سال ۱۴۰۰: حقوق ۲،۲۵۵،۴۹۵ تومان دلار ۲۶،۳۸۵ تومان
سال ۱۴۰۱: حقوق ۴،۱۷۹،۷۵۰ تومان و دلار ۳۵،۲۱۷ تومان
سال ۱۴۰۲: حقوق ۵،۸۰۸،۲۸۴ تومان و دلار ۵۱،۲۲۹ تومان
سال ۱۴۰۳: حقوق ۷،۱۶۶،۱۸۴ تومان و دلار ۶۸،۸۷۸ تومان

سال ۱۴۰۴: حداقل حقوق ۱۰،۳۹۰،۹۶۸ تومان و میانگین قیمت دلار ۱۱۰،۰۰۰ تومان
سال ۱۴۰۵ (پیش‌بینی سال آینده): با فرض ۲۰٪ افزایش حقوق و دلار ۱۵۱ تومانی، حداقل حقوق ۱۲،۴۹۹،۱۶۰ تومان و دلار ۱۵۱،۰۰۰ تومان است.
با حقوق سالانه ۹۹۱ دلاری در سال ۱۴۰۵، یک کارگر ایرانی باید با روزی کمتر از ۳ دلار زندگی کند که این رقم حتی از حداقل‌های اعلام‌شده برای فقر مطلق در بسیاری از کشورهای جنگ‌زده هم پایین‌تر است و این یعنی سقوط از قله ۳۰۰۰ دلاری دهه نود به دره ۸۰ دلاری دهه چهارصد!

ایران با بزرگترین ذخایر گاز جهان، در مسیر تبدیل شدن به واردکننده تا ۲۰۳۰

گروه اقتصادی – پرونده فشارافزایی پارس جنوبی –حیاتی‌ترین طرح برای حفظ تولید گاز کشور –تقریباً دو سال است که در شورای اقتصاد منتظر نوبت بررسی مانده؛ بررسی هم که بشود، با کدام پول و کدام منبع مالی؟ این یک تصویر آخرالزمانی از آینده انرژی ایران نیست؟

گاز روزی بر یک برنده ایران بود؛ امروز اما در آستانه تبدیل شدن به نقطه‌ضعف استراتژیک کشور قرار دارد. پرسش ساده است و پاسخ آن باید شفاف باشد؛ چطور ممکن است پروژه‌ای که ۷۰ درصد گاز کشور به آن وابسته است، دو سال در شورای اقتصاد خاک بخورد؟

چرا همسایگان، گاز را به صلاح اقتصادی و موتور رفاه تبدیل کرده‌اند، اما ایران هنوز درگیر تعلل، بوروکراسی و تصمیم‌های نیمه‌کاره است؟

در حالی که قطر با شتابی خیره‌کننده ظرفیت LNG خود را از ۷۷ میلیون تن فعلی به ۱۴۲ میلیون تن در سال تا ۲۰۳۰ می‌رساند و با سرمایه‌گذاری ۸۵ میلیارد دلاری در میدان شمالی –که دقیقاً با پارس جنوبی ایران مشترک است –قرار داده‌ای بلندمدت با اروپا و آسیا بسته و حتی با فناوری جذب و ذخیرسازی کربن (CCS) گاز خود را "کم‌کربن" و جذاب برای بازارهای سبز کرده، عربستان با پروژه عظیم جفوره و سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری آرامکو، گاز غیرمتعارف را به موتور جدید اقتصادش تبدیل کرده و با کشف ۱۴ میدان تازه، وابستگی به نفت را کاهش داده و نفت بیشتری برای صادرات آزاد کرده است. امارات هم با ۱۱ میلیارد دلار تأمین مالی پروژه‌های Ghasha و Hail –بزرگ‌ترین میدان گاز ترش جهان –نه تنها خودکفای گازی را هدف گرفته، بلکه با ادغام CCS و برندینگ انرژی پاک، سرمایه خارجی جذب می‌کند و به صادرکننده LNG تبدیل می‌شود. اما ایران، صاحب بزرگ‌ترین ذخایر مشترک جهان، هنوز در باتلاق تعلل و تأخیر دست و پا می‌زند. پرونده فشارافزایی پارس جنوبی –حیاتی‌ترین طرح برای حفظ تولید گاز کشور –تقریباً دو سال است که در شورای اقتصاد منتظر نوبت بررسی مانده؛ بررسی هم که بشود، با کدام پول و کدام منبع مالی؟ این یک تصویر آخرالزمانی از آینده انرژی ایران نیست؟

این کشور با سرمایه‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌گیری سریع، گاز را به موتور رشد تبدیل کرده‌اند، در حالی که ایران از یک سو با مصرف شدید خانگی (بدون کمترین تأثیر در رشد صنعتی) دست و پنجه نرم می‌کند و از سوی دیگر قربانی بوروکراسی سنگین خودش است. مقایسه آمارها عمق فاجعه را نشان می‌دهد: قطر صادرکننده برتر جهان می‌شود و درآمد سالانه‌اش را دو برابر می‌کند، عربستان وابستگی به نفت را کاهش می‌دهد و گاز را به جایگزین صادراتی تبدیل می‌کند، امارات امنیت انرژی داخلی را تضمین می‌کند و به صادرکننده LNG تبدیل می‌شود –اما ایران با قرار داده‌ای ۱۷–۲۰ میلیارد دلاری که تازه در مارس ۲۰۲۵ امضا شد (۱۰ سال تأخیر کلی)، هنوز در مرحله حفاری‌های موقت (Infill Drilling در اوت ۲۰۲۵) مانده، دو سال انتظار برای تأیید در شورای اقتصاد داشته، کاهش فشار مخزن از ۱۳–۲۰ بدون اقدام جدی تحمل کرده و هیچ تمرکز سبزی ندارد، در حالی که همسایگان CCS را اجرا می‌کنند. نتیجه برای ایران خطر کاهش ۲۰–۳۰٪ تولید تا ۵ سال آینده و تبدیل به واردکننده گاز تا ۲۰۳۰ است.

ابزارهای سه‌گانه سیاست‌گذار ارزی بازار طلا و دلار را جمع می‌کند!

امروز هم بخودصاف افزایش عرضه، بازار را مدیریت کند، جواب نخواهد داد. مدیریت عرضه نمی‌تواند اشتباهات گذشته را جبران کند. این کارشناس بازار سرمایه تأکید کرد: بانک مرکزی باید نرخ بهره را متناسب با حاشیه سود تولید تنظیم کند و به صورت شفاف سیگنال بدهد که افزایش نرخ‌ها متناسب با توان تولید نیست. منابع کشور باید به سمت تولید هدایت شود، نه دلالی.

محمودی‌صل افزود: وقتی منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد مثل اوراق، صندوق‌ها یا هر نوع ابزار دلالی دیگر می‌رود، تولید با کمبود منابع مواجه می‌شود. از طرف دیگر، حاشیه سود پایین باعث می‌شود واحدهای تولیدی با نارضایتی یا حتی یک‌سوم ظرفیت فعالیت کنند. او خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی ممکن است همه مردم طلا داشته باشند و حتی سود ۱۰۰ درصدی هم بکنند، اما در مقابل مجبور خواهند شد کالاها را با افزایش قیمت ۲۰۰ یا ۳۰۰ درصدی خریداری کنند.

این مسیر، اقتصاد را به سمت الگویی شبیه هند سوق می‌دهد؛ جایی که همه طلا دارند، اما فقیرند.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تأثیر این سیاست‌ها بر زندگی روزمره مردم گفت: همان‌طور که امروز ماشین‌های میلیاردی داریم، اما برای تعویض روغن یا هزینه‌های ابتدایی دچار مشکل هستیم، این تناقض نتیجه سیاست‌های غلط پولی و ارزی است. محمودی‌اصل تأکید کرد: عقلانیت باید به بانک مرکزی بازگردد و سیاست‌گذار به سمت مدیریت تقاضا حرکت کند، نه مدیریت عرضه. از ابتدا باید تقاضا را کنترل می‌کردیم و دلار نمی‌دادیم منابع به این سمت منحرف شود.

او افزود: یکی از راه‌های اصلی مدیریت تقاضا این بود که بازار سرمایه

و بخش تولید را جذاب می‌کردیم، حاشیه سود تولید را افزایش می‌دادیم و منابع را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت می‌کردیم. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به پیامدهای واردات گسترده طلا گفت: شاید برخی از افزایش قیمت طلا را بهانه بگیرند، اما باید توجه داشت که در همین مدت قیمت برق، دارو و بسیاری از نهادهای تولید چندبرابر شده است. اگر طلا دو برابر گران شده، برخی واحدهای تولیدی به دلیل کمبود مواد اولیه و تجهیزات، ضررهای ۱۰۰ برابری متحمل شده‌اند.

او تأکید کرد: منابع ارزی کشور باید به بهترین شکل ممکن و در مسیر ایجاد ارزش افزوده استفاده شود. صرف واردات طلا، بدون تقویت تولید، تنها معیشت مردم را تضعیف می‌کند.

کاهش بخشی از تقاضا و خروج بخشی از نقدینگی از بازارهای

پرتوسان خواهد بود.

سومین ابزار، صدور مجوز صندوق‌های صدور و ابطال طلا از طریق شعب بانک ملت، شاید مهم‌ترین بخش این بسته سیاستی باشد. این اقدام، عملاً دسترسی عمومی مردم به ابزارهای رسمی سرمایه‌گذاری در طلا را تسهیل می‌کند و فاصله میان سیاست‌گذار و سرمایه‌گذار خرد را کاهش می‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد ورود بانک‌ها به عنوان درگاه فروش این صندوق‌ها، از یک سوءاستفاده عمومی را تقویت کند و از سوی دیگر، امکان جذب گسترده‌تر منابع خرد را فراهم سازد. این صندوق‌ها می‌توانند به تدریج نقش بازار سنتی طلا را کم‌رنگ کرده و سهم ابزارهای مالی شفاف را افزایش دهند.

کارشناسان معتقدند مجموع این سه ابزار نشان می‌دهد بانک مرکزی در حال حرکت از مداخلات مقطعی به سمت مدیریت ساختاری بازار ارز و طلا است.

ارزیابی کارشناسی

در این رابطه حسین محمودی اصل –کارشناس بازار سرمایه – با اشاره به اقدامات جدید بانک مرکزی از جمله انتشار اوراق سلف موازی استاندارد شمش طلا، عرضه گواهی سپرده و اوراق مبتنی بر طلا و ارز از طریق شبکه بانکی، گفت: این اقدام جدید از یک جهت مثبت است؛ چراکه این یک سو بازار کنترل شود و از سوی دیگر، در تقابل با بورس کالا قرار داشت و عملاً بورس را رقیب خود می‌دانست.

او افزود: در مرکز مبادله ارز و طلا از ابتدا باید به عنوان یک نهاد بورسی و تحت نظارت سازمان بورس شکل می‌گرفت، اما این اتفاق نیفتاد و

متأسفانه فرصت سوزی‌های زیادی در این مسیر رخ داد.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به واردات گسترده طلا در سال گذشته تصریح کرد: در سال گذشته حدود ۸۵ میلیارد دلار طلا وارد کشور شد، با این نیت که از یک سو بازار کنترل شود و از سوی دیگر، از محل فروش سکه، منابعی برای دولت ایجاد شود؛ آن‌هم با فروش سکه بالاتر از نرخ بازار آزاد و با دلاری گران‌تر از بازار.

محمودی‌اصل ادامه داد: اشتباه بزرگ‌تر این بود که بانک مرکزی ناخواسته به مردم سیگنال داد که برای حفظ ارزش دارایی‌ها نشان طلا و سکه بخردند و همین موضوع یک روند نامناسب و مخرب در اقتصاد ایجاد کرد.

او بسا انتقاد از رویکرد فعلی بانک مرکزی گفت: اینکه بانک مرکزی

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

حراج کیش

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲